

بررسی پرونده های دادگاه کیفری یک استان تهران در هفته ای که گذشت

سرنوشت متفاوت ۲ پرونده جنایی

خیابان ۱۵ خرداد، بین چهارراه گلوبندک و خیابان داور، ساختمانی قدیمی سال هاست خودنمایی می کند و با احیای دادرسی ها، محل تشکیل دادگاه های کیفری یک استان تهران شد. هر روز قاتلان و متجاوزان و گاه مجرمان اقتصادی از زندان به این مجتمع منتقل می شوند تا قضات کیفر آنها را مشخص کنند. در هفته گذشته هم به دو پرونده قتل در شعبات این دادگاه رسیدگی شد. پرونده هایی که انگیزه های متفاوت و البته فرجامی متفاوت نیز دارند. این هفته در «محکمه» به مرور جریان این دو دادگاه پرداخته ایم.

راز سر به مهر قتل پدر و مادر بزرگ



در دومین پرونده، دختر جوان که پدر و مادر بزرگش از سوی عمومی فراری اش کشته شده اند با حضور در دادگاه درخواست دریافت دیه از بیت المال کرد.

تحقیقات جنایی در این پرونده از سال ۹۱ پس از شکایت دختر جوانی به نام پریسا آغاز شد. دختر جوان به کارآگاهان گفت: چند سال قبل پدرم به کشور بلاروس مهاجرت کرد و من به تنهایی در ایران زندگی می کنم. بیشتر اوقات به خانه مادر بزرگم می رفتم. مادر بزرگم با عمویم اشکان در یک خانه قدیمی در غرب تهران زندگی می کنند. مدتی است با مادر بزرگم تماس می گیرم اما عمویم می گوید او به مسافرت رفته است. به حرف های عمویم مشکوک هستم. مادر بزرگم بدون اطلاع من به سفر نمی رود و حالا احتمال می دهم عمویم بلایی سرا آورده باشد.

پس از این شکایت ماموران راهی محل زندگی پیرزن شده و به تحقیق از همسایه ها پرداختند. همسایه ها گفتند: مدت هاست زن سالخورده به نام اقدس را ندیده اند اما پسرش اشکان را دیده اند که مثل همیشه به خانه تردد دارد. این موضوع باعث شک بیشتر ماموران شد و با هماهنگی قضایی و با کمک ماموران آتش نشانی، به خانه قدیمی رفتند و پس از گشودن در خانه با سکوپی عجیب در گوشه اتاق روبه رو شدند که روی آن جلیک بسته بود و تعدادی قرص نفتالین کنار آن قرار داشت.

پریسا که خود را به آن خانه رسانده بود، به ماموران پلیس گفت: تا به حال در خانه مادر بزرگم چنین سکوپی ندیده بودم. به نظر می رسد آن را عمویم درست کرده است.

ماموران سکورا تخریب کرده و با جسد متعفن زن سالخورده و پسر بزرگش بهرام که پدر پریسا بود روبه رو شدند. اجساد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و پریسا که شوکه بود به ماموران گفت: پدرم سال ها قبل به کشور بلاروس مهاجرت کرد و من در ایران زندگی می کردم. عمویم می گفت چون پدرم غیرقانونی به آنجا رفته نمی تواند به ایران برگردد یا با ما تماسی داشته باشد. به همین دلیل در این سال ها هیچ تماسی با پدرم نداشتم و فکر نمی کردم به ایران برگشته باشد. من نمی دانم عمویم چرا و با چه انگیزه ای پدر و مادر بزرگم را کشته و اجساد آنها را در خانه دفن کرده است.

با افشای این ماجرا ماموران پلیس به ردیابی برای دستگیری اشکان پرداختند اما دریافتند که وی به کشور بلاروس رفته است. در طول این سال ها پلیس نتوانست اشکان را به ایران برگرداند.

با گذشت ۹ سال از این ماجرا، پریسا به دادگاه کیفری یک استان تهران رفت و درخواست دیه از صندوق بیت المال را مطرح کرد. وی در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران به قضات گفت: ۹ سال از کشته شدن مرموز پدر و مادر بزرگم می گذرد. هیچ ردی از عمویم نیست و امیدوارم او دستگیر شود و به ایران انتقال یابد. به همین دلیل درخواست دارم دیه پدر و مادر بزرگم از بیت المال پرداخت شود. با گذشت این همه سال نمی دانم انگیزه او از این جنایت ها چه بوده و چرا پدر و مادر بزرگم را کشته و در گوشه ای از خانه دفن کرده بود. برای رسیدن به جواب این پرسش، پیگیری های زیادی برای دستگیری عمویم انجام دادم که بی نتیجه ماند.

پس از صحبت های این دختر، قضات برای تصمیم گیری وارد شور شدند. براساس ماده ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی، دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به معنی علیه یا به ولی یا اولیای دم او داده می شود. پرداخت دیه از بیت المال تحت موارد مشخصی انجام می گیرد که توسط قانونگذار بیان گردیده است. به عبارت دیگر، این دیه به ورثه مقتول از بیت المال یعنی از طرف دولت پرداخت می شود. در ماده ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی اعلام شده: «هرگاه در جنایت عمدی، به علت مرگ یا فرار، دسترسی به مرتکب ممکن نباشد یا درخواست صاحب حق، دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد در خصوص قتل عمد، ولی دم می تواند دیه را از عاقله بگیرد و در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آنها یا عدم تمکن آنها، دیه از بیت المال پرداخت می شود و در غیر قتل، دیه بر بیت المال خواهد بود.»

درگیری مرگبار بر سر ملک

در نخستین پرونده، درگیری مالک و سازنده ساختمانی در جنوب تهران رنگ خون گرفت و پرونده ای را در دادگاه کیفری یک تهران تحت رسیدگی قرار داد. اسفند سال گذشته درگیری خونینی در یک ساختمان نیمه کاره در شهرری به پلیس گزارش شد. در تحقیقات مقدماتی مشخص شد مالک ساختمان به نام اردشیر مقابل چشم کارگران با ضربه چاقو، سازنده ساختمان را به قتل رسانده بود.

ساعاتی بعد، اردشیر دستگیر شد و در تحقیقات به قتل اعتراف کرد. با تکمیل تحقیقات، پرونده برای محاکمه به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در جلسه رسیدگی به این پرونده، وکیل اولیای دم درخواست قصاص اردشیر را مطرح کرد و گفت: موکلانم قصاص می خواهند و حاضر به گذشت نیستند.

در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت و گفت: من و همایون سال ها همسایه بودیم و او را می شناختم. او پیشنهاد داد دو ملک را تجمیع کنیم و آپارتمانی چندین طبقه بسازیم. سال ۹۶ با او قرارداد بستم و قرار بود دو ساله خانه را تحویل دهد. با گذشت سه سال ساختمان را تحویل نداد و هر بار که سراغش می رفتم بهانه می آورد. آخرین بار به دلیل این که احتمال می دادم میان ما درگیری رخ دهد، چاقویی با خودم بردم. وقتی همایون را دیدم خواستم زودتر تکلیف ملک را روشن کند که به ستم حمله کرد و من با چاقو ضربه ای به سینه اش زدم.

وی ادامه داد: راضی به مرگ او نبودم و نمی دانم چرا پزشکی قانونی اعلام کرده دو ضربه به او زدم. در حالی که من فقط یک ضربه زدم.

رئیس دادگاه: چرا بعد از ضربه زدن فرار کردی؟

متهم به قتل: وقتی همایون روی زمین افتاد، سوار ماشین شده و به خانه برگشتم و همان شب دستگیر شدم. راضی به مرگ او نبودم و از اولیای دم تقاضای بخشش دارم. تاخیر او در تحویل خانه اعصابم را به هم ریخته بود. او مدعی بود به خاطر کرونا ساخت و ساز خوابیده اما من روی تحویل دو ساله خانه حساب کرده بودم.

پس از دفاعیات متهم و وکیل مدافعش قضات برای تصمیم گیری وارد شور شدند.



ماموران با مشاهده

سکوی عجیب در خانه

قدیمی آن را تخریب

کرده و با جسد

مادر و پسر در داخل آن

روبرو شدند

